

بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چندجانبه

اصغر افتخاری*

مهدی نادری باب اناری**

حسین میسمی***

چکیده

رویکردهای مختلفی نسبت به امنیت در جامعه علمی و عملیاتی ما وجود دارد که هر یک از این رویکردها، وجوه متفاوتی از امنیت را مورد کندوکاو قرار می‌دهند. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی، استلزامات خاص امنیتی مهمی را پیش رو و در خود نهفته دارد. این مقاله با اتخاذ رویکردی چندجانبه به مقوله امنیت تلاش می‌کند تا ابعاد امنیتی سند چشم‌انداز را مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. در این پژوهش، ابعاد امنیتی سند چشم‌انداز در پنج رهیافت فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نظامی به همراه چالش‌ها و فرصت‌ها تحلیل شده است. مفروض مبتنی بر این نکته است که با توجه به جایگاه کنونی ایران در منطقه آسیای جنوب غرب، تحقق سند چشم‌انداز مستلزم نگاهی چندجانبه به مقوله امنیت است و غفلت از هر یک از جنبه‌های امنیتی به معنای نادیده گرفتن بخشی از سند با توجه به واقعیت‌های موجود و در نتیجه توسعه ناپایدار است.

واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت اخلاقی، امنیت زیست‌محیطی

* معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق^(ع) و دانشیار دانشکده علوم سیاسی

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

*** دانشجوی کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۶

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۴/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیستم / شماره ۶۰ / پاییز ۱۳۹۰ / صص ۵۳-۸۰

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هـ ش «کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل». سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ با این عبارات شروع می‌شود: دست یافتن به اهداف این سند در سال ۱۴۰۴ نیازمند به محیط «امن و با ثبات» است که موجبات توسعه ایران و نیل به جایگاه اول اقتصادی و فناوری در سطح منطقه " آسیای جنوب غربی" را نوید می‌دهد.

محیط امن مقدمه تحولات اساسی و دگرگونی در ساختار نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. دولت‌ها در روند گذار به توسعه یافتگی با نابهنجاری مواجه می‌گرداند و برای فائق آمدن بر این مشکلات نیازمند یک دولت مقتدر هستند. در واقع، وجود فضای مبتنی بر امنیت، مقدم بر برنامه و کنش توسعه‌محور کشورها در راستای اهداف و اولویت‌های سند چشم‌انداز قرار دارد. بر این اساس، رویکرد امنیت‌مدارانه نسبت به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ موضوع و مسئله‌ای است

که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظر به اینکه در سال‌های پس از جنگ سرد تحولی بنیادین در موضوع و ابعاد مطالعات امنیتی رخ داده است و دیگر امنیت را تنها از بُعد نظامی محک نمی‌زنند، لذا این مقاله با اختیار کردن رهیافتی چندجانبه نسبت به امنیت، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران را در افق ۱۴۰۴ از این منظر مورد کندوکاو قرار داده و سپس مبتنی بر فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو، به ارائه الزامات پرداخته است.

مفروض مقاله بر این نکته تأکید دارد که با توجه به جایگاه کنونی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوب غرب، تحقق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ شمسی مستلزم نگاهی چندجانبه به مقوله امنیت است و غفلت از هر یک از جنبه‌های امنیت به معنای نادیده گرفتن بخشی از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی با توجه به واقعیت‌های موجود و در نتیجه توسعه ناپایدار است. این مقاله از آن حیث که به مقوله امنیت، علی‌رغم پژوهش‌های پیشین امنیتی در رابطه با سند چشم‌انداز، رهیافتی چندجانبه اتخاذ کرده و درصدد نگرشی جامع به امنیت است، از نوآوری برخوردار می‌باشد. از لحاظ روش‌شناسی، این مقاله در محدوده

اول . امنیت

پیشینه مطالعات امنیتی به صورت گسترده به پس از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود. در این برهه زمانی گفتمان امنیتی دچار تحول عمده شده است. گفتمان «امنیت منفی» نخستین گفتمان شکل گرفته در مباحث امنیتی بود که از بُعد سلبی به مسئله امنیت می‌پرداخت. در واقع، در این گفتمان، امنیت ملی از لحاظ معنایی دلالت بر نفی تهدید دارد. گفتمان «امنیت مثبت» دومین گفتمان مطالعات امنیت بود که در صدد نفی جدی اصول گفتمان امنیت منفی شکل گرفت. در این گفتمان، اگرچه نفی تهدید در تعریف امنیت مؤثر واقع می‌شد، اما وجود شرایط مطلوب و مساعد برای تحقق اهداف بازیگران در راستای منافع ملی در کانون توجه این گفتمان قرار می‌گرفت. برخلاف گفتمان امنیت منفی که بر وجهه سلبی آن تأکید می‌شد؛ در این گفتمان جنبه «تأسیسی» آن مورد توجه قرار گرفت به این معنا که امنیت مقدم بر منافع ملی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن بازیگران به ضریب اطمینانی قابل توجهی دستیابی و پاسداری از منافع ملی دست یافته باشند. (افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۱۲-۳۰ و نویدنیا، ۱۳۸۸، صص ۲۶-۳۰).

پژوهش‌های اکتشافی یا بنیادی قرار می‌گیرد، به این معنا که نگارندگان از یک سو با عنایت به وضعیت کنونی جامعه ایران و ترسیم ایران آینده بر مبنای سند چشم‌انداز و از سوی دیگر با تغییر پارادایم در گفتمان مطالعات امنیتی می‌کوشند با مورد بازخوانی قرار دادن مفاهیم پایه‌ای ذکر شده در سند چشم‌انداز، رویکردی از امنیت را مد نظر قرار دهند که پاسخگوی التزامات امنیتی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ با توجه به وضعیت حال و آینده کشور باشد.

۱- چارچوب مفهومی - نظری

به منظور درک محتوای امنیتی سند چشم‌انداز و ارائه راهبردی کارآمد برای تحقق اهداف امنیتی آن لازم است که نخست نسبت به شناخت اصول و مبانی امنیتی سند اقدام شود. برای این منظور، مفاهیم و چارچوب نظری حاکم بر سند بایستی تحلیل گردد.

۱-۱- مفهوم‌شناسی

مفاهیم را می‌توان، معنا و ادله اولیه نظریه‌ها و ابزار اصلی انتقال معانی برای طراحی راهبردها معرفی نمود. بنابراین لازم می‌آید تا مفاهیم حساس و اصلی، تحدید و تعریف شوند:

دوم . امنیت چندجانبه

امنیت چندجانبه مبتنی " بر ارزش‌های ملی " و " ماهیت پیچیده تهدیدات " تعریف می‌شود. به این معنی که اغلب در کشورهای جهان سوم که ابعاد امنیتی دارای تنوع بیشتر است، تلاش می‌شود با اتخاذ این رویکرد، تهدیدات پیش روی کشور را به نفع فرصت‌های بالقوه، تغییر ماهیت داد. به عنوان مثال، در کشورهای توسعه‌یافته، تهدیدات اقتصادی می‌تواند به موضوع امنیتی " با اهمیت کم یا بیش " تعریف گردد، چرا که در این کشورها شهروندان از نظر رفاه اقتصادی به ندرت دچار محدودیت هستند. حال آنکه تهدیدات اقتصادی در کشورهای جهان سوم فرای اهمیت " کم یا بیش "، مسئله‌ای با درجه اهمیت " مرگ یا زندگی " به شمار می‌رود که در واقع از حیث موضوع، از ابعاد یا تهدیدات امنیتی است که نظام اجتماعی این کشورها را در کنار ابعاد دیگر امنیتی مورد چالش قرار می‌دهد.

سوم . سند چشم‌انداز

سند راهبردی است که یک کشور می‌کوشد با تعریف اهداف تعیین‌شده در یک برهه زمانی خاص، منابع و امکانات بالقوه موجود را در ابعاد مختلف برای نیل به اهداف مذکور بسیج کند. بر مبنای این تعریف

" چشم‌انداز، ارائه‌دهنده یک تصویر مطلوب، آرمانی و قابل دستیابی است که مانند چراغی در افق بلندمدت، فراروی جامعه و نظام حکومتی قرار دارد و دارای ویژگی‌های جامعه‌نگری، آینده‌نگاری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی " است (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

۱-۲- مبانی نظری

۱-۲-۱- توسعه امنیت محور

مسئله توسعه از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه است. در این کشورها بر خلاف کشورهای توسعه‌یافته که در صدد بالاتر بردن سطح کمی و کیفی ظرفیت‌های بالفعل هستند، اساساً ظرفیت‌هایی در زیست‌بوم آنها موجود است که می‌کوشند آنها را بالفعل سازند. نقطه عزیمت به توسعه‌یافتگی که در گذشته از قدرت به توسعه بوده؛ در حال حاضر نه به طور ویژه، اما با چرخشی قابل توجه از توسعه به قدرت تغییر ماهیت داده است. در این عزیمت اگرچه دو مفهوم «قدرت» و «توسعه» با هم در ارتباط دیالکتیکی قرار دارند، اما بر توسعه منجر به قدرت تأکید بیشتری می‌رود. در استراتژی «قدرت مبتنی بر توسعه» مفهوم امنیت جایگاه والایی در این استراتژی می‌یابد. در واقع، در این مفهوم، امنیت مقدم بر توسعه قرار گرفته و

هریک از آنها با لحاظ کردن بخشی از مسایل امنیت، پاسخگوی محذور امنیتی هستند، لذا در این پژوهش رویکردی چندجانبه برای پرداختن به این مهم اتخاذ شده است تا به صورت جامع پاسخگوی محظورات امنیتی سند چشم‌انداز باشد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۳- امنیت اقتصادمحور^۴

رویکرد اقتصادی به امنیت، ریشه در تحولات دهه ۱۹۹۰ دارد. از این زمان به بعد توجه به اقتصاد به عنوان یکی از ابعاد امنیت به رویکرد امنیتی تغییر ماهیت داد و به رابطه اقتصاد و امنیت ملی توجه افزون‌تری شد (تریف، ۱۳۸۳، صص ۲۸۲-۲۷۳). همواره منابع اقتصادی به مثابه یکی از عوامل قدرت ملی مطرح می‌باشد و لذا تقویت آن رکن اساسی سیاست‌های امنیت ملی به حساب می‌آید. افزایش ظرفیت و توان اقتصادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به میزان قدرت ملی در عرصه داخلی و بین‌المللی تأثیر می‌گذارد که در نهایت امر خود مهم‌ترین عامل در تعریف و افزایش ضریب امنیت ملی است. در حال حاضر، با توجه به تحولات اقتصادی رخ داده در نیمه دوم قرن بیستم، سرمایه، نیروی کار، فناوری و اطلاعات

بر مبنای «گفتمان امنیت مثبت»^۱ نه «امنیت منفی»^۲ تعریف می‌گردد. امنیت ملی فراتر از نبود تهدید به شرایط مساعد برای دست یازیدن به اهداف توسعه بر مبنای سند چشم‌انداز کشور معطوف می‌گردد. در این برداشت، بازیگران در تلاش‌اند از تهدیدهای پیش روی به نفع فرصت بهره‌برداری کنند و از کنش‌های تعاملی، رقابتی، کم‌هزینه و دامنه‌دار به جای کنش‌های تقابلی، اعمالی، پرهزینه و محدود مدد جویند.

بازیگران در گفتمان «امنیت توسعه‌محور» در صدد ایجاد فرصت‌سازی هر چه افزون‌تر در راستای فعلیت بخشیدن به پتانسیل‌های بالقوه موجود هستند. در حال حاضر، برخلاف گذشته، کشورها با مد نظر قرار دادن توسعه همه‌جانبه، اهداف استراتژیک توسعه‌محور خود را طراحی می‌کنند و می‌کوشند با عنایت به مقوله توسعه همه‌جانبه، به ابعاد امنیتی جامعی که این امر مهم را محقق می‌سازد، دست یابند.

۱-۲-۲- رهیافت امنیتی چندجانبه^۳
با توجه به اینکه در حال حاضر رویکردهای مختلفی در رابطه با امنیت شکل گرفته و یا در حال شکل گرفتن است و

1. Negative Security Discourse
2. Positive Security Discourse
3. Multi-dimensional approach toward security

4. Economy based security

جایگزین عوامل سنتی اقتصادی یعنی وسعت جغرافیایی، وجود منابع طبیعی، جمعیت و ... شده است. در رویکرد اقتصادی به امنیت، عدم توجه به آن در دو سطح برای دولت مشکل‌ساز است. سطح اول، فقر و وضعیت وخیم اقتصادی منجر به بی‌ثباتی در عرصه داخلی شده و به جای بسیج منابع منجر به تزلزل در امنیت ملی می‌گردد. سطح دوم، به حضور دولت در عرصه بین‌المللی اشاره دارد. در این سطح دولت‌ها در مدیریت ملی در جریان رقابت و نفوذ قدرت ملی در نظام بین‌المللی ضعف داشته و به تبع نسبت به تهدیدات موجود در عرصه بین‌المللی آسیب‌پذیرند. در این رابطه است که «کارولین توماس»^۵ ثبات و امنیت اقتصادی را برای دولت‌های جهان سومی که در راستای اهداف توسعه گام برمی‌دارند، ضروری به حساب می‌آورد و بر این باور است که بدون امنیت پولی و تجاری، دست یازیدن به نظم و آرامش که از شروط اساسی حرکت به توسعه‌یافتگی است، تحقق پیدا نمی‌کند (افتخاری، ۱۳۸۱، صص ۳۰۷-۲۹۳ و تریف، ۱۳۸۳، ص ۲۸۴).

۱-۲-۴- امنیت نظامی محور^۶

رویکرد نظامی، اولین رویکرد منسجمی است که در حوزه مطالعات امنیتی، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد. اگرچه تحولات ناشی از جنگ جهانی دوم و در پی آن فروپاشی شوروی انتقادهایی را نسبت به این رویکرد وارد کرد و محوریت آن را در عرصه مطالعات امنیتی زیر سؤال برد، اما حقیقت آن است که آنچه اتفاق افتاده، مربوط به تغییر چهره نظامی‌گری در این حوزه از مطالعات است. در واقع این موضوع با حفظ اهمیت و اولویت خود در ورای ملاحظات خاص خود کماکان در عرصه امنیت مورد اهتمام قرار گرفته و از سوی دیگر تلاش کشورهای توسعه یافته برای پرداختن به ابعاد و توانمندی‌های نظامی، تأییدی بر این مدعا است. در واقع، در رویکردهای نوین نظامی، برخلاف گذشته اگرچه جنگ و توان نظامی حرف اول و آخر را نمی‌زند، اما با این حال، بیش از پیش، بر شأن ابزاری نیروی نظامی تأکید می‌کند. در رویکرد نوین نظامی، بازیگران برخلاف گذشته اصولاً دولت‌محور نیستند، بلکه افزون بر دولت‌ها، واحدهای خرد نیز در عرصه امنیتی ظهور پیدا کرده‌اند. در فضای جدید

نیکوماخوسی به ضرورت توجه به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی تأکید کرده و آن را مقدم بر کنش سیاسی قلمداد می‌کند. در دوران جدید، مباحث اخلاقی، با کتاب "شهریار" ماکیاولی وارد فضای جدیدی شد. در کتاب شهریار، اخلاقیات، ذیل منافع ملی و قدرت تعریف شده است. به عبارتی دیگر در این گفتمان، سیاست‌های ماکیاولیستی مقدمه‌ای بر ارزش‌های اخلاقی در عرصه داخلی و بین‌المللی در راستای منافع ملی دولت تعریف می‌شود. در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا دهه هفتاد نیز از جانب نظریه‌پردازان سیاست خارجی به حاشیه بردن اخلاقیات در عرصه سیاست‌های امنیتی تأکید می‌شد. در دهه هفتاد با ظهور نگرش‌های انتقادی در حوزه مطالعات امریکا، اصل عدم دخالت اخلاق در سیاست امنیتی در موضوعاتی از قبیل صیانت حقوق بشر، ترویج اصول دموکراتیک و... مورد نقد جدی اندیشمندان قرار گرفته و براساس تحلیل این اندیشمندان اخلاق نه تنها باید به حاشیه رانده نشود، بلکه بر کانون سیاست امنیتی قرار گرفتن آن تأکید شد. به عنوان مثال، در پژوهشی که در ارتباط بین سیاست امنیتی و اخلاقیات در امریکا به مدد چهار اندیشمند

اگرچه همچنان جنگ به عنوان عامل ناامنی قلمداد می‌شود، اما به دلیل شبکه جهانی و وابستگی درهم تنیده بازیگران به یکدیگر، جنگ راه حل مناسب و مطمئنی برای اهداف امنیتی نیست. در گفتمان جدید، نوع خاصی از جنگ که بیشتر مربوط به حوزه داخل می‌شود و از ناحیه مردم با دولت است، جایگزین حالت سابق جنگ دولت علیه دولت شده است. در واقع، برخورد گروه‌های مذهبی، نژادی، قومی و... با دولت در عرصه داخلی از مصادیق بارز این فضای جدید امنیتی است (Sender, 2008, pp. 75-76).

این تغییر پارادایم جدید لزوماً مربوط به کشورهای در حال توسعه یا کم توسعه‌یافته آسیایی و آفریقایی که از ضعف نسبی نظامی رنج می‌برند، نبوده است، بلکه بر بروز منازعات مشابه در کشورهای توسعه‌یافته و قدرتمند نیز تأکید دارد (افتخاری، ۱۳۸۱، صص ۱۴۸-۱۴۰ و صص ۳۱۹-۳۱۳).

۱-۲-۵- امنیت اخلاق محور^۷

رابطه اخلاقیات با امنیت و سیاست خارجی مربوط به دوران جدید نیست. در یونان قبل از میلاد ارسطو و توسیدید به مباحث اخلاقی در رابطه با سیاست پرداخته‌اند. ارسطو در کتاب اخلاق

بنام، یعنی هاردلی آرکز^۸، چارلز دبلیو کگلی^۹، تری ناردین^{۱۰} و جیمز دبلیو چایلد^{۱۱} که در زمینه سیاست امنیتی و اخلاق دارای تألیف و نظریه بودند، انجام گرفت، بر اهمیت ارزش‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، اهداف و اولویت‌ها و نیز پیدا کردن ابزارهایی برای نیل به اهداف و همچنین بنیاد اخلاق محور سیاست امنیتی تأکید گردید. نکته حائز اهمیت در این پژوهش این بود که سنت لیبرالی علی‌رغم یک کانون ارزشی تأثیرگذار به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی تمامی مسائل امنیتی باشد، بلکه برای جبران این نقیصه، سنت لیبرالی باید از سایر سنت‌های اخلاقی تغذیه گردد (شولتز و همکاران، ۱۳۸۶، صص ۶۷-۴۰).

۱-۲-۶- امنیت محیط زیست محور^{۱۲}

ویژگی عمده این تهدیدات جدید «فرداولتی یا مادون دولتی در مقابل دولت مرکزی»، «عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی جغرافیایی»، «مدیریت چندلایه در مقابل مدیریت دفاع سنتی» است که برخلاف گذشته «دولت و ملت» را به صورت توأمان مورد هدف قرار می‌دهد (تریف، ۱۳۸۳، صص ۲۲۹-۲۲۸).

پس از جنگ سرد، طیف جدیدی از تهدیدات غیر نظامی، امنیت دولت‌ها را مورد چالش قرار داده است. در سطح کلان موضوعات امنیتی را به دو طیف می‌توان تقسیم کرد:

مسئله محیط زیست، در حوزه موضوعات غیر سنتی مطالعات امنیتی در دو دهه اخیر کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته است. در این مطالعات «امنیت زیست‌محیطی» در سه رهیافت کلان موجبات بروز تهدید امنیتی برای دولت‌هاست:

اول. موضوعات سنتی: موضوعاتی از قبیل ناسیونالیسم، قومیت، تولید و تکثیر

اول. تغییرات زیست‌محیطی: در این رهیافت چنان‌که «هامر- دیکسون» اذعان می‌دارد، به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم

8. Hardly Arkez
9. Charles W . Kegely
10. Terry Nardin
11. Games W. Child
12. Environment based security

مختل کرده است. (شولتز و همکاران، ۱۳۸۶ ج ۲، ص ۲۴).

سوم. وضعیت بهداشت و سلامت

انسانی: در این رهیافت به پیامدهای ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی اشاره می‌شود. پیامدهایی که با واسطه به پدیده‌هایی چون پارگی لایه اوزن، گرم شدن جو، وارونگی هوا، موجودات ذره‌بینی بیماری‌زا و... دلالت دارد که به شکل فراگیر، حیات کلیه انسان‌ها را در تمام نقاط جهان اعم از توسعه‌یافته یا کم توسعه‌یافته تهدید می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۱، صص ۳۵۶-۳۴۱).

۱-۲-۷- امنیت فرهنگ محور^{۱۳}

در رویکرد فرهنگی به امنیت، مسئله فرهنگ بیش از سایر ابعاد امنیتی یعنی اقتصادی، سیاسی، نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع، در این رویکرد، برخلاف رویکردهای پیشین، این فرهنگ و هویت است که با تعریف ارزش‌ها و هنجارهای عجین‌شده در بستر جامعه به ارائه تعریفی از منافع که سیاست‌های امنیت ملی را شکل داده می‌پردازد و مبنای کنش بازیگران می‌گردد (Katzenstein, 1996, p. 537).

بر این اساس، هویت‌های افراد در جامعه بستری مناسب برای شکل دادن به منافع و

بروز می‌کند. در سطح مستقیم، متعاقب بروز تحولات در عرصه محیط زیست از قبیل کمبود آب، دستیابی به منابع غذایی دریایی و... در میان دولت به وجود می‌آید. در سطح غیرمستقیم، که هانری دیکسون آن را خطرناک‌تر از مورد پیشین می‌داند، به دو صورت مسئله هویتی و محرومیت ظهور پیدا می‌کند. در سطح هویتی که تنها به بعد داخلی محدود نشده، در قالب مهاجرت و نزاع در دست یازیدن به «شرایط مناسب زیست محیطی برای ادامه زندگی» نمود پیدا کرده است. در سطح محرومیت، ملاحظات زیست‌محیطی در قالب کمبودهای اقتصادی تجلی پیدا کرده است. امری که در نهایت منجر به گسست در مناطق مختلف و در نهایت به تضعیف مشروعیت نظام سیاسی منجر می‌شود.

دوم. فعالیت‌های نظامی: اقدامات

نظامی و تأثیرات ناشی از آن در زمان جنگ با شیوع سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک تأثیرات غیرقابل جبرانی بر محیط زیست کشورهای درگیر گذاشته است. نظامی‌گری در کشورهای در حال توسعه، با جذب هزینه‌های هنگفتی که بایستی جذب حفاظت از طبیعت و رفع آلودگی‌های موجود در طبیعت شود، عملاً زندگی انسان‌ها را

مهمات حیاتی جامعه است. در سطح خرد، افراد از طریق هویت در کنار یکدیگر «هویت جمعی» را تشکیل می‌دهند و این «هویت جمعی» در تقابل با هویت‌های دیگر، حدود و ثغور امنیتی خاص خود را بیان می‌کند. در این معنا، امنیت به مثابه پاسدار فرهنگ در دو سطح خودنمایی می‌کند:

سطح داخلی: نظام اجتماعی از

مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده که مقدمات مشترک، تمام این خرده فرهنگ‌ها را در کنار هم قرار داده است. در این سطح، امنیت فرهنگی از ارزش و هنجارها که مقوم نظام سیاسی و اجتماعی است، حفاظت می‌کند.

سطح بین‌المللی: بازیگران در عرصه

بین‌المللی براساس «سازه‌ها» و «هویت فرهنگی» استراتژی سیاست خارجی خود را تعریف می‌کنند و در قالب این انگاره‌ها، کنشگران به تعقیب اهداف و منافع می‌پردازند (احمدزاده، ۱۳۸۷، صص ۶۷-۶۲).

۲- بازخوانی الزامات امنیتی

سند چشم‌انداز جمهوری

اسلامی ایران

رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابلاغ سند نهایی چشم‌انداز بیست‌ساله ایران به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت

نظام، فصل جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران را ترسیم کردند. براساس این سند، محورهای هشت‌گانه‌ای که ایران اسلامی در افق ۱۴۰۴ باید آن را با " قدرت لایزال الهی " محقق سازد، به این ترتیب است:

- اقتصاد: جایگاه اول اقتصادی، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، اشتغال کامل و...

- سیاسی: تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه امام ره و...

- اجتماعی: متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید علم و...

- فرهنگی: هویت اسلامی و انقلابی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و مفتخر به ایرانی بودن و...

- دانایی: برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری و...

- نظامی: امن، مستقل و مقتدر با سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و...

- بهداشتی و زیست‌محیطی: سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، بهرمنند از محیط زیست مطلوب و...



- امنیت فرهنگ محور
- امنیت اخلاق محور
- امنیت اقتصاد محور
- امنیت زیست محیط محور
- امنیت نظامی محور

نمودار شماره (۱) - رویکرد امنیت

چندجانبه به سند چشم انداز

۱-۱-۲- امنیت به مثابه فرهنگ

نظام جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ باید در پرتو تعالیم اسلامی به رشد همه جانبه و شایسته "تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت" نایل گردد. در واقع، با توجه به زیرساخت‌های اسلامی نظام اجتماعی، اساساً، نقش فرهنگ دینی و اسلامی در رابطه با دیگر خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تعیین کننده است. نوع جهان بینی و ایدئولوژی خاص هر نظام اجتماعی بیانگر اولویت یکی از خرده نظام‌های اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی بر دیگر خرده نظام‌هاست. در نظام سرمایه داری، خرده نظام اقتصادی بر سایر خرده نظام‌های اجتماعی تفوق یافته است. در نظام اسلامی، باتوجه به ماهیت دین و شریعت اسلام که

• اخلاقی: فعال، مسئولیت پذیر، ایشارگر، مؤمن، رضایتمند، انضباط، تعاون و...
به نظر می‌رسد که تحقق سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در پرتو نگاه سیستمی به این امر مهم، امکان پذیر باشد. در واقع، از طریق رویکرد سیستمی می‌توان در فرایندهای برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی به بررسی علمی و مبتنی بر واقعیت در رابطه به سند چشم انداز رسید. در این رویکرد، اجزاء مختلف به مثابه نظام نگریسته می‌شوند که در تعامل با یکدیگر در راستای اهداف کلان گام برمی‌دارند. در ادامه، به تبع از این رویکرد سعی شده است به مقوله "امنیت" در رابطه به سند چشم انداز پرداخته شود.

۱-۲- زیر ساخت‌های امنیتی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران

با توجه به این توضیح مختصر، به نظر می‌رسد که اهم محورهای سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در رابطه با امنیت در پنج محور کلی و اصلی قابل پیگیری است؛ به گونه‌ای که محورهای دیگر در ذیل یا فرع بر این پنج محور امکان تحقق دارد. به عبارت دیگر، تحقق این محورهای پنج گانه امنیت محور، شرط لازم برای تحقق محورهای هشت گانه سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ است.

داعیه‌دار برنامه و احکام در سایر امورات اعم از فردی یا اجتماعی و... است؛ خرده‌نظام فرهنگی مقدم بر سایر خرده‌نظام‌ها در تعامل با آنها وظیفه همسو و هماهنگ کردن تمامی خرده‌نظام‌ها در تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی دارد.

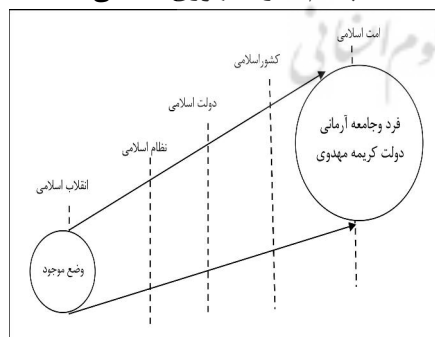
نظر به اینکه سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، توسعه‌محور است، لذا با توجه به ماهیت نظام سیاسی، فرهنگ مقدم بر توسعه قرار می‌گیرد و با تعریف چارچوبه خاص از نظام اسلامی، نوع خاصی از توسعه را مد نظر قرار می‌دهد. براین اساس، ایران توسعه یافته در افق ۱۴۰۴ کشوری با مؤلفه‌های فرهنگی خاص همچون "هویت اسلامی و انقلابی"، "الهام‌بخش در جهان اسلام"، "متعهد به انقلاب و نظام اسلامی"، "با تأکید بر مردم‌سالاری دینی" و... است. در این رابطه باید افزود استعاره "مهندسی فرهنگی" که در سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری خطاب به مسئولین نظام به کرات به کار رفته، بیانگر نقش راهبردی فرهنگ در تحقق سند چشم‌انداز است.^(۱) از یک سو، سند چشم‌انداز درون خود با معیارهای ارزشی همچون "انضباط"، "مسئولیت‌پذیری"، "وجدان کاری"، "تعاون"، "ایشارگری" و... بیانگر تحول فرهنگی جامعه ایران در افق

۱۴۰۴ است و از سوی دیگر هرگونه حرکت عملیاتی در راستای تحقق سند چشم‌انداز با تحولات و نابسامانی‌های فرهنگی - اجتماعی خاصی همراه است که بی توجهی به این تغییر و تحولات، دستاوردی جز استحاله فرهنگی برای نظام به بار نخواهد داشت.

با مبنا قرار دادن دیدگاه مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه پدیده انقلاب اسلامی نقطه عطفی از تاریخ اسلام در راستای شکل‌گیری "امت اسلامی" است که به ترتیب مستلزم پشت سر نهادن فرآیند "انقلاب اسلامی"، "نظام اسلامی"، "دولت اسلامی"، "کشور اسلامی" و "امت اسلامی" است.^(۲) لذا می‌توان سند چشم‌انداز را به مثابه بستری برای تحقق این الگو قلمداد کرد که ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نظام را در راستای عملیاتی کردن این امر مهم به خدمت می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۶۱۲).

نمودار شماره (۲): بستر فرهنگی سند

چشم‌انداز جمهوری اسلامی



گزارش و جبران ناپذیری به بار آورده است. تجربه کشورهای صنعتی در واپسین دهه‌های قرن بیستم بیانگر این نکته است که حتی دو ابر قدرت در جولانگاه مبارزات جنگ سرد، در محدوده مسائل محیط زیست به توافق رسیده‌اند. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران از این مسئله غافل نبوده و مبنای توسعه محور خود را مبتنی بر شاخص‌هایی همچون "سلامت"، "رفاه"، "امنیت غذایی"، "بهره‌مندی از محیط زیست" و... استوار کرده است.

در جمهوری اسلامی ایران، تمهیداتی برای جلوگیری از تخریب و صیانت از محیط زیست در نظر گرفته شده است که توجه و عملی‌سازی آنها می‌تواند اولویت‌ها و اهداف زیست‌محیطی و بهداشتی سند چشم‌انداز را محقق سازد. این تمهیدات در دو سطح قابل بررسی است:

اول، سیاست‌های قانونی: در سطح داخلی، قبل و بعد از انقلاب اسلامی به این مهم توجه شده است به گونه‌ای که اصل پنجاهم قانون اساسی به طور صریح و قاطع، هرگونه فعالیت اقتصادی و... را که منجر به تخریب محیط زیست می‌گردد، ممنوع کرده است.^(۴) در سطح خارجی، ایران تعهدات بین‌المللی در راستای تخریب یا صیانت از

با این فرض، سند چشم‌انداز در مسیر تحقق با تهدیدها و چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود که اهم آن به قرار زیر است: (نادری فارسانی، ۱۳۸۵، صص ۳۱۵-۳۰۸).

- شکل‌گیری اندیشه‌های التقاطی و انحرافی ناشی از نفوذ و تأثیرپذیری آموزه‌ها و دکترین‌های مدرنیستی همچون لیبرالیسم، سکولاریسم، اومانیزم، ناسیونالیسم و...؛
- بی‌توجهی یا عدم اطلاع برخی از مدیران و کارگزاران دولتی از نقش فرهنگ در سند چشم‌انداز؛
- گسست میان نخبگان حوزه و دانشگاه در راستای تفاهم میان مفاهیم، نظریه‌ها و رویکردها؛
- الهام‌بخشی از عناصر فرهنگی غرب؛
- عدم واقع‌گرایی در تبیین ظرفیت‌های فرهنگی نظام و تأکید بر صرف آرمان‌ها بدون توجه به توانمندی عملیاتی‌سازی^(۳)

۲-۱-۲- امنیت به مثابه محیط زیست
در هزاره سوم، توجه به محیط زیست در عرصه بین‌الملل مورد اهتمام همه بازیگران قرار گرفته است. در حال حاضر، پرداختن به پدیده توسعه برای کشورهای جهان سوم فارغ از مسئله محیط زیست، هزینه‌های

- محیط زیست را امضا کرده است (کنوانسیون ۱۹۶۳ و قطعنامه استراسبورگ ۱۹۹۷) که بر طبق قانون مدنی لازم‌الاجراست و جزو قوانین ایران به حساب می‌آید (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).
 - دوم، سیاست‌های فرهنگی: ایران اسلامی از زیرساخت‌های عمیق فرهنگی زیست‌محیطی برخوردار است. فرهنگ زیست‌محیطی اسلام، رابطه انسان با محیط طبیعت را براساس آیه شریفه "هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها" تعریف کرده است. در تعالیم دینی، احیای محیط زیست در ردیف کارهای عام‌المنفعه قرار دارد و بر این نکته تأکید شده است که اگر انسان درختی را بکارد، تا زمانی که آن پا برجاست همواره در کارنامه اعمال آن شخص پاداش لحاظ می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صص ۲۰۰-۱۹۹). از جمله آموزه‌های مهم زیست‌محیطی اسلام به قرار زیر است (عمیق و حسینی، ۱۳۸۵، صص ۹۹-۳۱):
 - اصل اصلاح‌گری (عمران و آبادانی): به حکم آیه شریفه "هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها"^(۵)
 - اصل مصرف بهینه: به حکم آیه شریفه "ولا تسرفوا انه لایحب المرفین"^(۶).
 - اصل بهداشت و پاکیزگی (آراستگی محیط): به حکم آیه شریفه "انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب"^(۷).
 - اصل درختکاری و توسعه سرسبزی محیط: به حکم آیه شریفه "الذی جعل لکم الارض مهذا و سلك لکم فیها و انزل من السماء ماء فاخرجنا به ازوجا من نبات شتی"^(۸).
 - اصل حسن رفتار با حیوانات: به حکم آیه شریفه "وان لکم فی الانعم اعبره نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشریین"^(۹).
 - اصل تعامل زیست‌محیطی انسان‌ها با یکدیگر: به حکم آیه شریفه "ولا تبخسوا الناس اشیاء هم و لا تعثوا فی الارض مفسدین"^(۱۰).
- ۲-۱-۳- امنیت به مثابه اخلاق**
- نظام اسلامی بر خلاف دیگر نظام‌های موجود بر نظام مبتنی بر اخلاقیات استوار شده است. اگرچه، اغلب نظام‌های مختلف سیاسی در ابعاد ماهیت وجودی خود قائل به حضور و استقرار اخلاقیات هستند، اما این ابعاد اخلاقی حاکم بر کل نظام اجتماعی نیست. در واقع، در نظام اسلامی، اخلاق مقدمه‌ای بر نظام اجتماعی بوده و در سطح خرد، بر تمام فعل و انفعالات شهروندان

و در سطح کلان، بر کنش سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... دولت‌مردان حاکم است. بر این اساس، وجه تمایز نظام دینی با دیگر نظام‌های غیر دینی، حاکمیت رفتارهای اخلاقی که متأثر از آموزه‌های دینی است، بر سایر رفتارها می‌باشد. در این رابطه باید افزود اخلاقیات نه تنها در عرصه داخلی و در رابطه با شهروندان معنا پیدا می‌کند، بلکه در عرصه خارجی نیز اخلاقیات بر اساس آموزه‌های قرآنی و سنت حضور پر رنگ داشته و مقدم بر تمامی مناسبات قدرت به معنای مدرن بر رفتار بازیگران اسلامی باید حکمفرما باشد (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۱).

با توجه به ماهیت دینی نظام ایران سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ را با ویژگی‌هایی همچون "جامعه اخلاقی" و "متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی" می‌شناسد. بر این مبنا مأموریت "توسعه‌محور" سند چشم‌انداز با حاکمیت اصول اخلاقی کامل گردیده و وجه تمایز جامعه ایران در حضور "الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام... تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی^(ع)" خواهد بود.

از آنجا که "اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی" با فرهنگ حاکم بر جمهوری اسلامی ایران عجین شده است، لذا چالش‌هایی که "جامعه اخلاقی" و ارزشی ایران در افق ۱۴۰۴ احتمالاً با آن مواجه خواهد شد، نوعاً بخشی از چالش‌های فرهنگی اسلامی خواهد بود که در مبحث "امنیت به مثابه فرهنگ" به آن اشاره شد. لذا در ادامه با توجه به تأکید مؤکد سند چشم‌انداز به پاره‌ای از آموزه‌های اخلاقی نظیر "انضباط"، "مسئولیت‌پذیری"، "وجدان کاری"، "تعاون"، "ایشانگری" و...، برخی از آموزه‌های اخلاقی مهم در فرهنگ اسلامی که در سند چشم‌انداز به خصوص در "تعامل سازنده و مؤثر با جهان" با حفظ اصول سیاست خارجی، مصرح در قانون اساسی و سند چشم‌انداز یعنی "اصول عزت، حکمت و مصلحت" می‌تواند راهگشا باشد، اشاره می‌کنیم.

- اصل پایبندی به عهد و پیمان: به حکم آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود"^(۱۱) و...
- اصل نفی سلطه: به حکم آیه شریفه "لاتظلمون و لاتظلمون"^(۱۲) و...
- اصل تطابق میان قول و فعل، ایمان و عمل (اعتمادسازی): به حکم آیه شریفه

"یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون"^(۱۳) و...

- اصل صداقت و پرهیز از وعده‌های کاذب: به حکم آیه شریفه "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین"^(۱۴) و...
- اصل رحمت و محبت‌ورزی (همزیستی مسالمت‌آمیز): به حکم آیه شریفه "وما ارسلناک الا رحمه للعالمین"^(۱۵) و...

۲-۱-۴- امنیت به مثابه تضمین

کشورهای در حال توسعه در رابطه با امنیت نظامی با پارادوکس روبه‌رو هستند. از یک سو وانهادن به مسیر توسعه مستلزم سرمایه‌گذاری سنگین و همچنین جامعه امن در امور مبنایی و زیربنایی است و از سوی دیگر، پرداختن به مسئله امنیت نظامی مترادف با صرف هزینه‌های گزاف است؛ هزینه‌هایی که نه تنها ممکن است بستر جامعه امن را فراهم نسازد، بلکه به جای معطوف شدن به پدیده توسعه، صرف خرید تسلیحات و تقویت بنیان نظامی گشته و عملاً از مسیر اصلی خود منحرف گردد (دیگر، ۱۳۷۴، صص ۳۷۹-۳۷۸). در حال حاضر، با شکل‌گیری مفهوم "امنیت نرم" در کنار "امنیت سخت" وجه سخت‌افزاری نظامی‌گری تعدیل شده و دولت‌ها در

تلاش‌اند همانند مفهوم "قدرت هوشمند" جوزف نای، "امنیت هوشمند" را که در برگزیده وجهه سخت و نرم امنیت است، مد نظر قرار دهند (غرایاق زندی، ۱۳۸۸، صص ۹۲).

جمهوری اسلامی ایران نیز در افق پیش روی از یک سو مبنای توسعه‌محور اتخاذ کرده و از سوی دیگر با عطف به ماهیت نظام، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی با تهدیداتی از ناحیه ابر قدرت‌ها مواجه بوده، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و در دهه اخیر، پیشرفت‌های ایران در مسیر دست یازیدن به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، در کنار مطرح کردن ایران به مثابه حامی تروریسم و... همواره بهانه‌هایی برای به تهدید انداختن امنیت کشور بوده است؛ به گونه‌ای که کشورهای عراق و افغانستان در آستانه قرن بیست‌ویکم مورد اشغال واقع شده و در پیرامون ایران، دولت امریکا و هم‌پیمانانش با ترسیم چهره‌ای تهدیدآمیز و خشونت‌طلب از ایران به استقرار پایگاه‌های نظامی در کشورهای همسایه پرداخته‌اند و عملاً امنیت ملی ایران را تحت الشعاع قرار داده است (Karacasulu, 1388, pp. 5-10). نظر به اینکه ایران بر مبنای سند چشم‌انداز در مسیر توسعه گام برداشته و نوید جامعه‌ای "امن، مستقل و مقتدر با

- سازمان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه" را در میان کشورهای منطقه در افق ۱۴۰۴ شمسی می‌دهد، لذا با توجه به تهدیدات بالقوه موجود و نیز حرکت به سمت توسعه‌یافتگی و الزامات خاص امنیتی و سرمایه‌گذاری آن، به نظر می‌رسد با در اختیار داشتن پتانسیل‌های غنی موجود در راستای امنیت نرم، ایران می‌تواند با اتخاذ راهبردی مناسب بر تهدیدات امنیتی پیشرو فائق آید و اهداف توسعه محور سند چشم‌انداز را تحقق بخشد. در این رابطه، با توجه به رویکرد "امنیت هوشمند" توجه به موارد زیر برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است (غرایاق زندی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳).
- اتخاذ راهبرد مناسب در ایفای نقش رهبری و هدایت جهان اسلام؛
- استمرار سیاست‌های استکبارستیزی و حمایت از مستضعفین در قالب رفتارهای هوشمندانه و مصلحت‌گرایانه؛
- برعهده گرفتن نقش دعوت‌گرایی اسلامی در منطقه به جای صرف مجری‌گری.

۲-۱-۵- امنیت به مثابه اقتصاد

- بر اساس سند چشم‌انداز، جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، کشوری "توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی ... در سطح منطقه آسیای جنوب غربی" می‌باشد. در این رابطه، به بررسی وضعیت برخی متغیرهای اقتصادی منتخب در بین برخی از کشورهای اسلامی می‌پردازیم که می‌توانند در افق ۱۴۰۴ به عنوان رقیب ایران مطرح باشند. بدین منظور در ادامه از کشورهای ترکیه، عربستان، مصر، سوریه، قزاقستان و پاکستان با عنوان «کشورهای رقیب» یاد می‌شود.^(۱۶) لازم به ذکر است که این پژوهش در بعد اقتصادی، به لحاظ زمانی تحلیل،
- استقرار الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر مبانی مشترکات اسلامی در سطح منطقه در راستای تقویت اعتمادسازی در سیاست خارجی؛
 - رسیدن به الگوی داخلی و ملی از جامعه اسلامی؛
 - عدم تزامم بین امنیت نرم و امنیت سخت؛
 - تأکید بر نظریه ام‌القرای اسلامی به جای نظریه کوه آتشفشان در صدور انقلاب اسلامی؛

سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ را بررسی می‌کند و همچنین پیش‌بینی خود را در رابطه با متغیرهای مورد نظر در افق ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) ارائه می‌دهد. در انجام پیش‌بینی چنین فرض شده است که اگر متغیرهای اقتصادی ایران و کشورهای رقیب در بازه ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵ میلادی با نرخ معادل با میانگین دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ رشد کنند و یا در همین نرخ ثابت بماند، آیا ایران بر مبنای سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، در سال ۲۰۲۵ میلادی به جایگاه اول در بین تمامی کشورهای خاورمیانه و در تمامی متغیرها دست می‌یابد؟ پیش از پرداختن به بررسی متغیرهای مطلوب، باید به یک نکته توجه داشت و آن اینکه در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ اقتصاد جهانی با سرعت مناسبی در حال رشد بوده و می‌توان این دوره را دوره رونق اقتصادی جهان در نظر گرفت؛ رونقی که از اوایل سال ۲۰۰۰ شروع شد و با بحران مالی سال ۲۰۰۸ در بخش مسکن اقتصاد امریکا فروکش کرد.

الف) تولید سرانه داخلی

اگر چه کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۷، تعداد ۱.۴۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان (معادل ۲۱.۹ درصد) را در خود جای می‌دانند، اما تولید ناخالص این دسته از

کشورها در کل تنها برابر با ۳۶۹۲.۶ میلیارد دلار بوده است؛ که البته این میزان معادل با ۶.۸ درصد از کل تولید دنیا در این سال است. همچنین همان طور که اطلاعات ارائه شده در جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، میانگین تولید سرانه در کشورهای اسلامی در سال ۲۰۰۷ (به عنوان مثال) به بالاترین مقدار خود در طول دوره قبل از بحران مالی رسید که این مقدار برابر با ۲۵۹۳ دلار است. با دقت در آمار موجود، می‌توان به این نکته پی برد که این عدد نه تنها از میانگین کشورهای توسعه‌یافته به میزان قابل توجهی کمتر است (تقریباً یک پانزدهم آن است) بلکه از میانگین جهانی و حتی از میانگین کشورهای در حال توسعه نیز کمتر است.

اگر به وضعیت تولید سرانه داخلی کشور ایران در مقایسه با دیگر کشورهای توجه شود، به این نکته اذعان خواهد شد که در تمامی سال‌های مورد بررسی، تولید سرانه ایران از میانگین کشورهای اسلامی و همچنین کشورهای در حال توسعه بالاتر بوده است. با دقت در آمار می‌توان ادعا کرد که تولید سرانه ایران در دوره مورد بررسی تقریباً همواره یک سیزدهم میانگین کشورهای توسعه‌یافته بوده؛ به عبارت دیگر

تولید سرانه در کشورهای توسعه یافته تقریباً همواره سیزده برابر تولید سرانه ایران است. از طرف دیگر بررسی آمار ارائه شده در رابطه با کشورهای اسلامی رقیب ایران، بر این نکته تأکید می کند که اگر چه ایران در مقایسه با این شش کشور رشد تولید سرانه بیشتری را به طور متوسط شاهد بوده است، اما حجم تولید سرانه در سه کشور، یعنی عربستان، قزاقستان و ترکیه، تقریباً همواره بیش از ایران بوده است. بنابراین اگر فرض

کشور اول منطقه خاورمیانه مطرح خواهد بود و پس از آن نیز کشورهای قزاقستان و ترکیه به ترتیب با ۲۹۸۲۵۸ و ۱۷۹۱۲۶ در رتبه های دوم و سوم قرار خواهند گرفت و لذا ایران در این سال به عنوان رتبه اول در موضوع تولید سرانه مطرح نخواهد بود؛ بلکه در بهترین حالت رتبه چهارم را به خود اختصاص می دهد.^(۱۷)

جدول شماره (۱): تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)^(۱۸)

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	چشم انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)
ایران	۱۱۲۹	۱۳۴۸	۱۶۲۶	۲۰۱۵	۲۳۹۰	۲۷۴۶	۳۱۹۷	۴۱۴۹	۵۰۴۲	۱۱۱۸۶۲
مصر	۸۷۷	۹۸۹	۱۰۷۰	۱۱۹۷	۱۱۳۷	۱۲۷۰	۱۴۸۹	۱۷۳۹	۲۰۱۶	۲۵۱۳۴
عربستان	۵۸۸۷	۶۹۸۰	۸۱۲۵	۹۷۵۸	۱۱۱۲۷	۱۳۶۵۸	۱۴۷۳۳	۱۵۴۸۱	۱۸۶۵۵	۳۵۸۹۹۹
سوریه	۹۱۲	۱۰۳۱	۱۱۱۵	۱۲۹۳	۱۳۹۲	۱۵۶۰	۱۸۴۴	۱۹۴۶	۲۱۰۹	۷۸۰۳
ترکیه	۱۱۵۶	۲۲۱۵	۳۱۵۶	۴۶۱۶	۵۸۷۲	۷۱۱۰	۷۷۶۰	۹۶۲۹	۱۰۷۳۸	۱۷۹۱۲۶
قزاقستان	۷۹۲	۹۷۶	۱۲۳۲	۲۰۶۴	۲۸۶۳	۳۷۸۶	۵۳۶۳	۶۸۶۸	۸۸۳۵	۲۹۸۲۵۸
پاکستان	۳۵۹	۴۰۲	۴۷۹	۵۶۹	۶۵۵	۷۱۹	۸۱۷	۹۰۹	۹۱۵	۵۳۹۴
کشورهای اسلامی	۹۳۱	۱۰۲۱	۱۲۸۰	۱۴۳۳	۱۶۶۲	۱۹۴۲	۲۲۲۷	۲۵۹۳	۲۷۴۳	۷۳۸۶
کشورهای در حال توسعه	۹۱۲	۱۰۹۸	۱۲۶۶	۱۴۴۴	۱۶۹۳	۱۹۹۱	۲۳۰۳	۲۷۵۲	۳۲۴۶	۴۶۸۲۸
کشورهای توسعه یافته	۲۳۱۴۹	۲۵۶۲۹	۲۷۸۹۰	۳۰۶۱۴	۳۳۷۴۹	۳۵۱۸۹	۳۶۷۲۳	۳۹۷۷۲	۴۲۴۳۰	۱۳۴۰۲۸

کنیم که این کشورها در ۱۷ سال آینده

(یعنی از ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۵) با نرخى برابر با

نرخ متوسط دوره ۹ ساله مورد بررسی (۲۰۰۹-۲۰۰۰) رشد کنند، در سال ۲۰۲۵ (۱۴۰۴)، کشور عربستان با تولید سرانه ای به میزان ۳۵۸۹۹۹ دلار در سال، به عنوان

در تئوری های اقتصاد کلان، یکی از عوامل و نمادهای ثبات اقتصادی، پایین بودن نرخ تورم است. از این رو اغلب دولت ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به

بحث تورم توجه خاصی دارند و با استفاده از سیاست‌های پولی و مالی مختلف سعی در کنترل آن و ثبات قیمت‌ها می‌نمایند. در نتیجه چنین تلاش‌هایی در دهه‌های اخیر، میانگین نرخ تورم در کشورهای توسعه‌یافته و همچنین در حال توسعه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. برای مثال اگرچه تورم در گروه کشورهای در حال توسعه در دهه نود حدود ۵۰ درصد بود، اما در سال ۲۰۰۷ این رقم به عدد ۶.۳ درصد رسید (IMF, 2008, pp. 249-256). این خود به این معناست که اکثر کشورهای جهان در زمینه کنترل سطح قیمت‌ها موفق بوده‌اند. اگر بخواهیم وضعیت تورم در کشورهای اسلامی را در مقایسه با دیگر کشورها مورد تحلیل قرار دهیم، باید اذعان کرد که در دوره قبل از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۷، تورم در کشورهای اسلامی در مقایسه با دیگر گروه‌ها بالاتر بوده است. در واقع همان‌طور که اطلاعات جدول شماره (۲) نشان می‌دهد، در طول دوره قبل از بحران، تورم کشورهای اسلامی همواره از میانگین تورم جهانی و میانگین کشورهای توسعه‌یافته بالاتر رفته است. اما وضعیت تورم کشورهای اسلامی تقریباً مشابه وضعیت مذکور در کشورهای در حال توسعه است؛ اگر چه در تمامی سال‌ها

به جز سال ۲۰۰۴ که دو گروه به عددی مساوی (۵.۹ درصد) دست یافته‌اند، میانگین کشورهای اسلامی بالاتر از میانگین کشورهای در حال توسعه بوده است. اما عدد ۵.۹ درصد، پایین‌ترین نرخ تورم در کشورهای اسلامی در دوره مورد بررسی است که البته یک رکورد به حساب می‌آید. بررسی دقیق‌تر آمار ارائه شده در جدول همچنین نشان می‌دهد که گرچه در سال ۲۰۰۴ تورم در سطح مناسب ۵.۹ بود، اما در سال بعد یعنی سال ۲۰۰۵ به عدد ۶.۸ و پس از آن نیز در سال ۲۰۰۶ به عدد ۷.۵ درصد رسیده است. البته اگر به آمارهای مرتبط با تورم در کشورهای اسلامی در دوره‌های قبل مراجعه کنیم، به این مطلب پی می‌بریم که کشورهای اسلامی در مبارزه با تورم موفق بوده‌اند. علت این ادعا با توجه به این نکته که تورم در دهه نود در کشورهای اسلامی رو به افزایش بوده و به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۴ به عدد ۸۴.۵ درصد رسیده است، به وضوح روشن می‌گردد (SESRIC, 1998, pp. 122-156).

بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه عملکرد کشورهای اسلامی در کنترل تورم، در مقایسه با دیگر گروه‌ها ضعیف بوده است، اما اگر وضعیت تورم کشورهای اسلامی

در دوره اخیر را با آمارهای دوره‌های پیش از آن مقایسه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که کشورهای اسلامی به نوبه خود در کاهش تورم موفق بوده‌اند. می‌توان علت اصلی موفقیت این دسته از کشورها در کنترل تورم را اصلاحاتی دانست که در سیاست‌های پولی و مالی‌شان با هدف دستیابی به ثبات قیمتی انجام داده‌اند. نمونه قابل توجه از چنین اصلاحاتی در کشور ترکیه و کشورهای اسلامی واقع در ناحیه آسیای مرکزی انجام شده است (IMF, 2009, pp. 219-256).

بررسی آمار مرتبط با تورم در کشور ایران در مقایسه با گروه کشورهای اسلامی، در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در این شاخص وضعیت ایران بسیار ضعیف است. در واقع همان طور که ارقام ارائه‌شده در جدول نشان می‌دهد، تورم ایران تقریباً همواره دو برابر تورم کشورهای اسلامی، بیش از دو برابر کشورهای توسعه‌یافته و بیش از ده برابر کشورهای توسعه‌یافته بوده است. مثلاً در سال ۲۰۰۷، در حالی که تورم کشورهای اسلامی، در حال توسعه و توسعه‌یافته به ترتیب برابر با ۷.۴، ۲.۲ و ۶.۳ درصد بوده، تورم ایران برابر با ۱۷.۵ درصد است.

بررسی آمار مرتبط با تورم در ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب نیز نتایج مشابهی ارائه می‌دهد. در واقع همان طور که آمار ارائه‌شده در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، تورم ایران تقریباً در تمامی سال‌های مورد بررسی از شش کشور اسلامی رقیبش بیشتر بوده است. این اختلاف در بعضی سال‌ها بسیار فاحش و قابل توجه است. مثلاً در سال ۲۰۰۴، تورم ایران حدود ۳۰ برابر تورم در کشور عربستان بوده است. بررسی دقیق‌تر آمار جدول نشان می‌دهد که تورم متوسط ایران در دوره نه ساله مورد بررسی در حدود ۱۳.۶ می‌باشد. این در حالی است که متوسط نرخ تورم در کشورهای رقیب یعنی مصر، عربستان، سوریه، ترکیه، قزاقستان و پاکستان به ترتیب ۶.۸، ۱.۹، ۶.۷، ۱۲.۴، ۴.۸ و ۵.۷ درصد می‌باشد. با توجه به این تفاسیر اگر چنین فرض شود که روند تورم در ایران و کشورهای اسلامی رقیبش در ۱۵ سال آینده مشابه دوره نه ساله مورد بررسی باشد، آنگاه باید گفت که در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) کشور عربستان در زمینه تورم رتبه اول را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص خواهد داد. پس از آن نیز پاکستان، سوریه، مصر، قزاقستان و ترکیه قرار خواهند داشت و لذا

ایران در این زمینه رتبه آخر را به خود اختصاص خواهد داد.

بحران مالی سال ۲۰۰۷، صادرات کشورهای اسلامی به طور فزاینده‌ای در حال رشد بوده است. به عنوان نمونه صادرات این دسته از کشورها از ۶۱۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ به ۱۳۵۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده است؛ اگر چه این افزایش قابل توجه است، اما به هر حال این رقم تنها ۸.۹ درصد از صادرات کل جهان را به خود اختصاص می‌دهد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسئولین اقتصادی ایران در کنترل تورم موفق نبوده‌اند؛ که البته این امر خود ضرورت استفاده از سیاست‌های پولی و مالی مرتبط را دو چندان می‌سازد. استفاده از تجربه دیگر کشورهای اسلامی در این زمینه مفید به نظر می‌رسد - چرا که همان طور که قبلاً عنوان شد - اغلب کشورهای اسلامی در کنترل تورم به طور نسبی موفق بوده‌اند.

جدول شماره (۲): میانگین نرخ تورم

(درصد)

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	میانگین تورم دوره (۲۰۰۵)	چشم‌انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)
ایران	۱۵.۷	۱۴.۹	۱۴.۳	۱۵.۶	۱۵.۳	۱۰.۴	۱۱.۹	۱۷.۵	۲۰.۷	۱۳.۶۳	۱۳.۶۳
مصر	۶.۳	۵.۷	۵.۱	۳.۲	۸.۱	۸.۸	۴.۲	۱۱	۸.۸	۶.۸	۶.۸
عربستان	۱.۳	۰.۷	۱.۲	۰.۶	۰.۴	۰.۶	۲.۳	۴.۱	۶.۲	۱.۹	۱.۹
سوریه	۶.۳	۶.۱	۵.۹	۵.۸	۴.۴	۷.۲	۱۰.۶	۷	۷.۲	۶.۷	۶.۷
ترکیه	۱۵.۱	۱۳.۹	۱۴.۷	۲۵.۳	۸.۶	۸.۲	۹.۶	۸.۸	۷.۵	۱۲.۴	۱۲.۴
قزاقستان	۵.۹	۶.۳	۶.۵	۶.۴	۶.۹	۷.۶	۸.۶	۱۰.۸	۱۷.۱	۸.۴	۸.۴
پاکستان	۳.۸	۳.۶	۳.۴	۳.۱	۴.۶	۹.۳	۷.۹	۷.۸	۸.۵	۵.۷	۵.۷
کشورهای اسلامی	۷.۷	۶.۹	۸.۶	۸.۴	۵.۹	۶.۸	۷.۵	۷.۴	۸.۴	۷.۵	۷.۵
کشورهای در حال توسعه	۷.۴	۶.۹	۵.۴	۶.۶	۵.۹	۵.۷	۵.۴	۶.۳	۶.۶	۶.۲	۶.۲
کشورهای توسعه یافته	۲.۱	۱.۹	۱.۶	۱.۸	۲.۰	۲.۳	۲.۴	۲.۲	۱.۸	۲.۱	۲.۱

منبع: IMF, 2008b

ج) حجم صادرات

دیگر، مقایسه وضعیت سهم صادرات کشورهای اسلامی از صادرات گروه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که این سهم دارای وضعیتی تقریباً با ثبات بوده و با

همان طور که ارقام ارائه شده در جدول شماره سه نشان می‌دهد، در طی دوره قبل از

افزایشی گردید که این افزایش هم در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ ادامه یافت.

بررسی آمار مرتبط با صادرات ایران در مقایسه با کشورهای اسلامی رقیب نشان می‌دهد که در اکثر سال‌ها حجم صادرات ایران از چهار کشور سوریه، مصر، قزاقستان و پاکستان بیشتر و از دو کشور عربستان و ترکیه کمتر بوده است. بررسی دقیق‌تر آمار جدول نشان می‌دهد که متوسط حجم

صادرات ایران در دوره نه ساله مورد بررسی در حدود ۴۲ میلیارد دلار می‌باشد. این در حالی است که متوسط حجم صادرات در کشورهای رقیب یعنی مصر، عربستان، سوریه، ترکیه، قزاقستان و پاکستان به ترتیب ۱۴، ۱۲۶، ۹، ۶۳، ۲۱ و ۱۳ میلیارد دلار می‌باشد. با توجه به این ارقام، اگر این طور فرض کنیم که روند صادرات در ایران و کشورهای اسلامی رقیب در ۱۵ سال آینده مشابه دوره نه ساله مورد بررسی باشد، آنگاه باید گفت که در افق چشم انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) کشور عربستان در زمینه حجم صادرات رتبه اول را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص خواهد داد. پس از آن نیز ترکیه رتبه دوم را در اختیار داشته و ایران در رتبه سوم قرار می‌گیرد. قزاقستان، مصر، پاکستان و سوریه نیز به ترتیب جایگاه

تغییرات قابل توجهی مواجه نشده است. در واقع در سال ۲۰۰۳ صادرات کشورهای اسلامی ۲۱.۴ درصد از صادرات کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۷ این عدد با تغییر زیادی مواجه نشده و معادل ۲۱.۸ درصد بوده است که این حاکی از با ثبات بودن وضعیت سهم صادرات کشورهای اسلامی از صادرات کشورهای در حال توسعه است.

بررسی دقیق‌تر ارقام مرتبط با صادرات کشورها در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که گروه کشورهای اسلامی در دوره رونق و به طور دقیق‌تر بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷، در بین تمامی گروه‌ها دارای بالاترین نرخ رشد صادرات بوده و در سال ۲۰۰۴ نیز به بالاترین رقم خود در کل دوره، یعنی عدد ۳۱.۴ درصد دست یافته است. اما به هر حال باید توجه کرد که در طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۷ وضعیت رشد صادرات هم در کشورهای اسلامی و هم در کشورهای در حال توسعه، نزولی و یا کاهنده بوده است. البته در این دوره وضعیت صادرات کشورهای توسعه‌یافته و همچنین صادرات کل کشورها متفاوت بوده و اگر چه در سال ۲۰۰۵ با کاهش مواجه شد، اما پس از آن وارد دوره

چهارم، پنجم، ششم و هفتم را در منطقه به خود اختصاص می‌دهند. در راستای تحقق سند چشم‌انداز تأکید می‌شود:

جدول شماره (۳) - حجم صادرات (میلیون دلار)
با توجه به ماهیت دینی نظام سیاسی ایران، تحقق توسعه پایدار در افق ۱۴۰۴

سال	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	صادرات دوره میانگین سالانه (۲۰۰۵-۲۰۱۴)	چشم‌انداز ۱۴۰۴ (۲۰۲۵)
ایران	۱۲۸۷۶	۱۴۲۹۰	۲۰۵۶۷	۳۱۷۸۲	۴۰۹۹۸	۵۵۴۰۳	۷۰۵۸۰	۸۱۷۰۹	۹۲۳۴۸	۴۲۰۵۵	۴۲۰۵۵
مصر	۵۹۸۲	۶۸۴۳	۷۳۲۰	۸۴۹۹	۱۲۱۸۷	۱۵۵۹۳	۲۰۶۸۴	۲۳۴۴۰	۲۶۷۲۰	۱۴۱۴۰	۱۴۱۴۰
عربستان	۶۱۹۸۸	۶۳۲۴۴	۶۵۴۳۲	۸۶۵۴۷	۱۱۲۶۸۷	۱۵۶۹۶۷	۱۸۹۵۷۸	۱۹۹۶۱۰	۲۰۱۱۱۳	۱۲۶۶۵۱	۱۲۶۶۵۱
سوریه	۴۵۱۹	۵۰۱۳	۵۵۳۸	۶۰۵۲	۸۵۸۶	۱۰۲۲۰	۱۲۰۹۹	۱۴۵۴۰	۱۶۷۷۹	۹۲۶۰	۹۲۶۰
ترکیه	۲۱۵۵۶	۲۶۹۸۱	۳۵۸۷۷	۴۷۲۳۳	۶۲۹۸۹	۷۳۴۵۱	۸۵۴۹۲	۱۰۷۱۱۳	۱۱۴۹۸۷	۶۳۹۶۴	۶۳۹۶۴
قزاقستان	۶۹۸۷	۷۲۳۹	۸۷۹۰	۱۲۹۲۷	۲۰۰۹۵	۲۳۵۰۸	۳۰۰۷۸	۳۷۵۶۸	۴۳۴۴۵	۲۱۱۵۹	۲۱۱۵۹
پاکستان	۶۳۳۴	۷۹۸۸	۹۳۳۴	۱۱۹۲۸	۱۳۲۸۴	۱۶۰۴۶	۱۹۸۰	۱۹۳۸۸	۲۱۹۸۹	۱۳۶۸۴	۱۳۶۸۴
کشورهای اسلامی (درصد از کل دنیا)	۷.۳	۷.۹	۸.۲	۸.۱	۸.۸	۹.۵	۱۰.۰	۹.۸	۹.۹	۸.۸	۸.۸
کشورهای در حال توسعه	۱۲۹.۸	۱۷۳.۰	۲۰۹.۰	۲۸۵.۶	۳۶۴.۰	۴۴۰.۳	۵۲۷.۲	۶۲۱.۹	۷۱۰.۹	۳۸۴.۶	۳۸۴.۶
کشورهای توسعه یافته	۳۱۲.۹	۳۶۷.۶	۴۰۵.۴	۴۶۵.۷	۵۴۸.۷	۵۹۶.۰	۶۶۵.۴	۷۵۹.۲	۸۵۸.۸	۵۵۳.۳	۵۵۳.۳

منبع: IMF, 2008b

فرجام

شمسی در گرو حفظ هویت اسلامی نظام مقدس جمهوری اسلامی است، لذا رویکرد فرهنگی به امنیت، الزامات هویتی بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی در سند چشم‌انداز را مورد تأکید قرار می‌دهد.

- آسیب‌های زیست‌محیطی و پیامدهای آن در سال‌های اخیر منجر شده است کشورهای مختلف علی‌رغم جایگاه‌های مختلف در تخریب محیط زیست به فکر صیانت و حفاظت از محیط زیست در آیند. ایران اسلامی از لحاظ حقوقی در سطح داخل قوانینی تصویب کرده و در سطح بین‌الملل نیز به عضویت کنوانسیون‌هایی درآمده است. افزون بر

در این مقاله، با اتخاذ رویکردی چندجانبه به مقوله امنیت تلاش شد تا ابعاد مختلف امنیت از لحاظ موضوع یعنی اقتصاد، فرهنگ، محیط زیست، اخلاق و نظامی مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه با بازخوانی سند چشم‌انداز به تشریح زیرساخت‌های امنیتی سند چشم‌انداز براساس رویکرد امنیت چندجانبه پرداخته شد. در این بخش از مقاله با توجه به ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران و هدف توسعه محور سند چشم‌انداز، بر مبنای مفروض مقاله بر الزامات امنیتی زیر

براساس سند چشم‌انداز، ایران برای دست یازیدن به جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه، با کشورهای رقیبی از جمله ترکیه، عربستان، مصر، سوریه، قزاقستان و پاکستان روبه‌رو است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در سه متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه، تورم و حجم صادرات کشور ایران در مقایسه با رقبایش در وضعیت مطلوبی قرار نداشته و اگر بخواهد در افق چشم‌انداز نیز به همین منوال ادامه دهد، امکان دستیابی به اهداف بلندمدت تعیین‌شده در سند چشم‌انداز وجود ندارد. این خود ضرورت برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و میان‌مدت در حوزه اقتصاد را دو چندان می‌سازد.

پانوشته‌ها

- ۱- برای مطالعه بیشتر به مقاله فیروز، رازنهمان، (۱۳۸۵)، "مهندسی فرهنگی کشور، پیش‌شرط تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران"، مقاله ارائه شده در مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز رجوع شود.
- ۲- سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۹/۲۱/۱۳۸۰. مقام معظم رهبری از ایجاد انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و دنیای اسلامی به عنوان مراحل پنجگانه طولانی و دشوار

این، فرهنگ غنی اسلامی _ ایرانی کشور می‌تواند به الگویی برای صیانت از محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی درآید و اولویت‌های زیست‌محیطی سند چشم‌انداز را تحقق بخشد.

• رویکرد اخلاقی به امنیت، بر وجه اخلاقی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند و با بیان این مسئله که گزاره‌های اخلاقی با توجه به ماهیت نظام، نوعاً گزاره‌های اسلامی است؛ تفاوت جامعه ایرانی با جوامع دیگر در افق چشم‌انداز را در این مسئله می‌داند و همین امر می‌تواند به ارائه الگویی مطلوب برای جهان اسلام و دنیا بنا به پیام سند چشم‌انداز بدل گردد.

• نظر به اینکه سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ توسعه‌محور بوده و از سوی دیگر از زمان پیروزی انقلاب اسلامی همواره کشور با چالش‌های امنیت نظامی مواجه بوده است، لذا با اتخاذ سیاست "امنیت هوشمند" که وجوه سخت و نرم امنیت را مد نظر قرار می‌دهد؛ می‌تواند استراتژی مناسبی برای فائق آمدن بر معمای امنیت نظامی و مبنای توسعه‌محور سند چشم‌انداز باشد.

تحقق هدف‌های اسلامی یاد و خاطرنشان کردند: از نیازهای مهم طی این مسیر دشوار، استقامت به معنای گم نکردن جهت حرکت و اصلاح دائمی خطاهاست. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۳- به مطالب آقای محمدجواد ابوالقاسمی در مقاله "آسیب‌های فرهنگی در مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز" در صفحات ۳۳۱ تا ۳۳۷، ارائه‌شده در مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز رجوع شود که پیشنهادات سازنده‌ای در رابطه با آسیب‌های فرهنگی ارائه کرده‌اند.

۴- اصل پنجاهم قانون اساسی: "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است."

- ۵- سوره هود، آیه ۶۱.
- ۶- سوره انعام آیه ۱۴۱.
- ۷- سوره صافات، آیه ۶.
- ۸- سوره طه، آیه ۵۳.
- ۹- سوره نحل، آیه ۶۶.
- ۱۰- سوره شعراء، آیه ۱۸۳.
- ۱۱- سوره مائده، آیه ۱.
- ۱۲- سوره بقره، آیه ۲۷۹.
- ۱۳- سوره صف، آیه ۲.
- ۱۴- سوره توبه، آیه ۱۱۹.
- ۱۵- سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

منابع فارسی

۱. آزر، ادوارد ای و این مون، چونگ (۱۳۷۹). *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. احمدزاده، روح‌الله و محمدصادق اسماعیلی (۱۳۸۷). «فرهنگی شدن سیاست خارجی؛ رویکردی نرم‌افزارانه»، در *قدرت نرم، فرهنگ و امنیت*، به کوشش اصغر افتخاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳. احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۸۷). *اخلاق و سیاست رویکردی اسلامی و تطبیقی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، " فرهنگ امنیت جهانی " در مک کین لای، و آر لیتل، **امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها**، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، **مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. بهرامی احمدی، حمید (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، "سیاست‌گذاری‌های سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی ایران در حفاظت از محیط زیست"، **فصلنامه دانش سیاسی**، ش ۹.
۷. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، **مطالعات امنیتی نوین**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، **اسلام و محیط زیست**، تنظیم عباس رحیمیان، قم: اسراء.
۹. دگر، سعادت (۱۳۷۴)، **تحلیل اقتصادی هزینه‌های نظامی در جهان سوم**، ترجمه حسین دری نوگرانی، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۱۰. رضایی، محسن و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۶)، **ایران آینده در افق چشم‌انداز**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
۱۱. رضایی میرقائد، محسن (۱۳۸۴)، **چشم‌انداز ایران فردا**، تهران: انتشارات اندیکا.
۱۲. شولتز، ریچارد و روی گادسون و جورج کوئیستر (۱۳۸۶)، **رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی**، مترجم: سید محمد علی متقی نژاد، جلد اول و دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. عمیق، محسن و سید فضل الله حسینی (۱۳۸۵)، **اخلاق زیست محیطی در اسلام**، تهران: مشعر.
۱۴. غرایق زندی، داوود (پاییز ۱۳۸۸)، "چیزیستی معنا و مفهوم امنیت نرم؛ با مروری بر وجه نرم امنیت جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۴۵.
۱۵. کاویانی راد، مراد (پاییز ۱۳۸۸)، "بوم‌شناسی سیاسی"، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ش ۴۵.
۱۶. نادری فارسانی، سیاوش (۱۳۸۵)، "تهدیدها و چالش‌های فرهنگی در مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی"، **مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز**، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

منابع لاتین

17. Bardhan, P. and Udry, C. (1999), *Development Microeconomics*, Oxford University Press, Oxford.
18. IMF (2008a), *Direction of Trade Statistics*, Online Database, <http://www.imfstatistics.org/>.
19. IMF (2008b), *World Economic Outlook*, Online Database, <http://www.imf.org/>.
20. IMF (2008c), *Balance of Payments Statistics, Database*.
21. IMF (2008d), *International Financial Statistics, Database*.
22. Katzenstein, Peter (1996), *The Culture of National Security*. New York: Columbia University Press.
23. Karacasulu, Zehra Nilufer And Karakir, Irem Askar (2008), "Attitudes of the International Community toward Puzzle

- Iran's Nuclear', *Journal of International and Area Studies*, Vol.15, No. 2.
24. Pawel Bożyk (2006), *Newly Industrialized Countries: Globalization and the Transformation of Foreign Economic Policy*, Ashgate Publishing, Ltd.
25. Snyder, Craig A (2008), *Contemporary Security and Strategy*, Second Edition, New York: Pal Grave Macmillan.
26. Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (1998, 2006, 2007, 2008a), *Annual Economic Report on the OIC Countries*, OIC Press.
27. SESRIC (2008b), Education: Prospects and Challenges in the OIC Member Countries, OIC Press;
28. SESRIC (2008c), *BASEIND Statistical Database*, OIC Press.
29. UNCTAD (2006, 2007), *Trade and Development Report*, UNCTAD PRESS.
30. UNDP (2007), *Annual Report*, UNDP PRESS
31. UNESCO (2006), *Institute for Statistics*, Data Centre press.
32. World Bank (2008a), *Global Development Finance*, Online Database, <http://www.worldbank.org>.
33. World Bank (2008b), *World Development Indicators*, Online Database, <http://www.worldbank.org>.